

۱۵۹۲۱۷۹

یادداشت‌های علم

متن کامل

جلد اول

از ۴۷/۱۱/۱۴ تا ۴۸/۱۲/۲۹

ویراستار علینقی عالیخانی



انتشارات معین

علم، امیراسدالله، ۱۲۹۸-۱۳۵۷.

یادداشت‌های علم: متن کامل / [امیراسدالله علم]؛ ویراستار علیخانی.

تهران: معین، ۱۳۸۷.

ISBN: 964-5643-38-4 (ج. ۱)

ISBN: 964-5643-35-x (دوره)

ISBN: 964-5643-40-6 (ج. ۳)

ISBN: 964-5643-39-2 (ج. ۲)

ISBN: 964-165-143-7 (ج. ۵)

ISBN: 964-5643-87-2 (ج. ۴)

ISBN: 964-165-103-1 (ج. ۷)

ISBN: 964-5643-31-x (ج. ۶)

Yad'dasht'ha-ye Asaddollah Alam.

پشت جلد به لاتین:

عنوان روی جلد: یادداشت‌های امیراسدالله علم: متن کامل.

کتابنامه.

جلد یک از ۱۳۴۷/۱۱/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹ - جلد دو از ۱۳۴۹/۱/۱ تا ۱۳۵۱/۱۲/۲۱ - جلد سه

۱۳۵۲ - جلد چهار ۱۳۵۳ - جلد پنج ۱۳۵۴ - جلد شش ۵۶-۱۳۵۵ - جلد هفت ۷-۱۳۴۶.

علم امیراسدالله، ۱۲۹۸-۱۳۵۷ - خاطرات. سیاستمداران ایرانی.

ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۳۰-۱۳۵۷.

الف. عالیخانی، علیخانی، ویراستار.

DS. ۱۳۷۷ ۸۶/۶۸۱

۹۵۵/ ۱۲۴۰۹۲

۱۴۴۸۳-۷۷م



انتشارات مبین

روبه‌روی دانشگاه تهران، فاطمی، فاطمی‌داریان، پلاک ۳

تلفن ۶۶۹۷۳۷۲ و ۶۶۹۷۵۹۹۲

www.moin-publisher.com

E-mail: info@moin-publisher.com



@MoinPublisher



MoinPublisher

یادداشت‌های امیر اسدالله علم

جلد اول

ویراستار: دکتر علی‌نقی عالیخانی

چاپ شانزدهم: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

تمامی حقوق این اثر با این ویرایش برای انتشارات معین محفوظ است.

تلفن مرکز فروش: ۶۶۹۶۱۴۹۵ - ۶۶۴۱۴۲۳۰

قیمت دوره هفت جلدی: ۳۵۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	یادداشت ناشر
۱۱	دیباچه ریاستار
۲۳	فصل اول: امیر بیرجند
۶۱	فصل دوم: سال های واکسین شاهنشاهی
۱۳۰	یادداشت های علم: بهمن و اسفند ۱۳۴۰
۱۵۳	یادداشت های علم: سال ۱۳۴۸

www.ketab.ir

محمدابراهیم پدر امیر اسدالله علم که در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار به حکومت بیرجند گماشته شد و به لقب شوکت‌الملک مفتخر گردید، پس از چندی امیر قائنات شد.

در سال ۱۳۰۰ هجری، دستور قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء وقت محمدابراهیم شوکت‌الملک مأمور شد با همکاری سردار معزز بجنوردی^۱ و با مساعدت قوای قزاق قیام کلنل محمدتقی‌خان پسیان را اتمام دهد، که این مأموریت به وسیله ایادی او انجام می‌شود و عوامل شوکت‌الملک با بریدن سبیل کلنل آن را بر سر چوب کردند و به دستور ارباب خود همراه با سردوشی‌های او سی‌نامه‌ای به مشهد فرستادند.

شوکت‌الملک پس از به قدرت رسیدن سردار سپه به او نزدیک‌تر شد و جزو محارم او قرار گرفت به طوری که همیشه در سفر و حضر با او شاه بود.

در شهریور ماه سال ۱۳۱۶ امیر شوکت‌الملک علم به سمت والی فارس تعیین شد و در بهمن ماه سال ۱۳۱۷ در کابینه محمود به وزارت پست و تلگراف منصوب شد و در کابینه‌های دکتر احمد متین‌دفتری و علی‌منصور هم عهده‌دار این سمت بود.

بعد از وقایع شهریور ماه سال ۱۳۲۰ شوکت‌الملک به بیرجند رفت و در سال ۱۳۲۳ در همان جا درگذشت. محمدابراهیم دارای سه دختر به نام‌های فاطمه، زهره و بلقیس بود و تنها پسرش امیر اسدالله نام گرفت، رضاشاه دوبار در زندگانی این پسر مداخله کرد، بار اول موقعی که پدر علم می‌خواست پسرش را برای تحصیل کشاورزی

۱. در سال ۱۳۰۴ هجری به دستور سردار سپه که رئیس‌الوزراء بود، سرتیپ جان محمدخان فرمانده لشکر شرق سردار معزز را به اتفاق دو برادرش و عده‌ای دیگر به اتهام فعالیت برای بازگرداندن احمدشاه قاجار به سلطنت در مشهد اعدام کرد.

به اروپا بفرستد ولی رضاشاه دستور داد به جای این کار امیراسدالله در دانشکده نوبنیاد کشاورزی کرج به تحصیل پردازد و بار دوم هنگامی بود که اشرف خواهر دوقلوی محمدرضا به دستور پدرش به همسری علی قوام فرزند ابراهیم قوام شیرازی درآمد، و این از آن جهت بود که رضاشاه می‌خواست خانواده‌های بزرگ غیر قاجار را به یکدیگر نزدیک کند و بعد هم به گرد خاندان خود درآورد به همین مناسبت دستور داد یکی از دو دختر قوام به همسری اسدالله علم و دیگری به همسری دکتر ابوالقاسم مؤدب نفیسی پس مؤدب‌الدوله (پیشکار ولیعهد) درآمد و پدران این خانواده‌ها مأمور اجرای امر شاه شدند. و به این ترتیب در پاییز سال ۱۳۱۸ امیراسدالله علم با ملک‌تاج قوام بر سر سفره عقد نشستند.

در خاطرات روز ۴۹/۲/۶ می‌نویسد: «بد نیست بنویسم من چه جور ازدواج کرده‌ام. غروب بنام من و سینه بکی از روزهای مهرماه ۱۳۱۸ وقتی به خانه آمدم، پدرم که وزیر پست و تلگراف رضاشاه، و طرف لطف و مرحمت او بود و شبهای جمعه در منزل نماز و دعا می‌خواند، و حایو نمی‌رفت، پیغام داده بود که من برای شام در منزل بمانم، اطاعت کردم وقتی سر شام رفتم ز من پرسید: آیا میل داری با دختر قوام ازدواج کنی؟ تعجب کردم که این چه حرمی است! گفتم: دختر قوام کیست؟! گفت: دختر قوام شیرازی، همان کسی که پسرش داماد شاه و شوهر شاهدخت اشرف است. گفتم: چنین مطلبی را اصلاً فکر نکرده بودم از کجا سرشمن می‌گیرد؟ گفت امر شاه است!

۱. ابراهیم قوام، فرزند حبیب‌الله خان از خاندان قوام‌الملک شیراز است. جد اعلای آنان حاج میرزا ابراهیم خان اعتمادالدوله کلانتر شیراز بوده است. و معروف است که او از یهودیان جدیدالاسلام شیراز بوده‌اند.

ابراهیم قوام در سال ۱۲۶۸ شمسی در شیراز به دنیا آمد، او در سال ۱۳۳۰ منقلب به نصرالدوله و در سال ۱۳۳۴ قس از قتل پدرش (حبیب‌الله خان) منقلب به قوام‌الملک گردید.

در سال‌های تجاوز نظامی انگلیس به جنوب ایران و سلطه قوای نظامی انگلیس موسوم به «پلیس جنوب ایران» که منجر به فتوای جهاد حاج سید عبدالحسین مجتهد لاری و قیام همگانی عشایر و مردم جنوب در سال ۱۳۳۶ ق شد ابراهیم قوام نقش مهمی در شکست نهضت و تحکیم سلطه استعمار انگلیسی بر ایران ایفا کرد.

ابراهیم قوام دارای چهار فرزند به نام‌های علی، رضا، ایران‌دخت و ملک‌تاج بود، اسدالله علم به مناسبت ازدواج با دختر قوام، فارس را «نبول» خود می‌دانست و نمایندگان جنوب در مجلس ایادی علم بودند.

ابراهیم قوام در بهمن ماه ۱۳۳۸ در هشتاد سالگی در تهران درگذشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، املاک وسیع این دودمان در فارس به نفع مستضعفان مصادره شد.

گفتم می‌توانم بگویم نه! گفت نه! گفتم پس چرا از من سؤال می‌کنید؟ به این صورت ازدواج ما صورت گرفت، در هفته بعد با والاحضرت (شاهنشاه فعلی) یک شب منزل قوام رفتیم، یک روز عصر هم رفتیم تنیس با نامزدم بازی کردم که باز والاحضرت و فوزیه حضور داشتند، جمعه بعد هم عروسی واقع شد. حال سی سال از آن تاریخ می‌گذرد.

حال می‌پردازیم به موضوع خاطرات. علم از زمانی که وارد گود سیاست شده، هر روز خاطرات خود را به صورت محرمانه در دفترهای جداگانه ثبت می‌کرده است - ولی آنچه را که امروز ما در دسترس داریم و علینقی عالیخانی به گفته خودش، خانواده علم در اختیارش گذاشته‌اند مربوط است به دیماه سال ۱۳۴۷ تا شهریور ماه ۱۳۵۶. عالیخانی در ابتدا سرسره‌ای از مطالب این مجموعه را که به گفته خودش در حدود چهار هزار صفحه است، به انگلیسی ترجمه می‌کند تا در اختیار انگلیسی‌زبانان قرار گیرد. از این خلاصه در بهار سال ۱۳۷۱، گروه مترجمان انتشارات طرح نو متن انگلیسی را به فارسی ترجمه می‌کند که در دو جلد زیر عنوان گفتگوهای من با شاه، (خاطرات محرمانه امیراسدالله علم) در ایران منتشر می‌شود. بدیهی است در متن انگلیسی، مترجم آنچه را که خود پسندیده است ترجمه می‌کند به همین دلیل هم ما در ترجمه فارسی به همان مطالب دسترسی پیدا کردیم. درحالی که علینقی عالیخانی بعداً در خارج از کشور متن فارسی دستنوشته‌ها را در مجلدات جداگانه به این ترتیب چاپ و منتشر کرد.

جلد اول از ۱۳۴۷/۱۱/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹

جلد دوم از اول فروردین ۱۳۴۹ تا ۵۱/۱۲/۲۱

جلد سوم از ۲۴ فروردین ۱۳۵۲ تا ۵۲/۱۲/۲۱

و بعد هم وعده داده است که بقیه دستنوشته‌ها را به همین ترتیب چاپ و منتشر

کند.

آنچه را که امروز خواننده در اختیار دارد، متن اصلی خاطرات امیراسدالله علم است که به علاقمندان تاریخ معاصر ایران تقدیم می‌شود.

هنگامی که اولین چاپ خاطرات علم در ایران منتشر شد، اکثریت کسانی که با نام علم آشنایی داشتند، با تعجب به این اثر نگاه کردند و غالباً مشکوک بودند که آیا به طور کلی علم اهل نوشتن آن هم خاطرات روزانه بوده است و یا اینکه دیگران از قول او

مطالبی را به رشته تحریر درآورده‌اند. ولی رفته، رفته با آگاهی از متن خاطرات این شک برطرف شد و معلوم گردید به واقع عَلم شخصاً این خاطرات را به دور از چشم محمدرضا شاه تهیه و تنظیم می‌کرد ولی از آنجا که وحشت آن را داشته که مبادا آنچه می‌نویسد به دست شاه برسد. در تدوین مطالب طوری قلم را بکار می‌گیرد. که اگر چنین اتفاقی افتاد مشکلی برای او ایجاد نشود. معذالک اینک که ما اصل دست نوشته‌های او را در اختیار داریم متوجه می‌شویم که به علت مفاسد اجتماعی که در آن دوران در مملکت ساری و جاری بوده حتی شخصی مانند عَلم هم نمی‌تواند با همه احتیاط که به خرج می‌دهد، پرده‌داری نکند و گاه ناچار می‌شود پرده از مسائلی بردارد که بحق فاجعه و فساد را در آن زمان نشان می‌دهد.

* * *

در آذرماه سال ۱۳۳۰، عَلم به جای حسین قدسی نخعی به وزارت دربار محمدرضا شاه منصوب شد. این سمت را قریب یازده سال، یعنی تا چند ماه ماندن به پایان عمرش حفظ کرد. بیخانی می‌نویسد:

«در ۲۸ تیرماه سال ۱۳۵۰ عَلم برای آخرین بار به عنوان وزیر دربار شرفیاب می‌شود و سپس برای ادامه درمان به فرانسه شد، دو هفته بعد شاه به عَلم تلفنی توصیه کرد به علت کسالتش بهتر است از کار کناره‌گیری کند و علم هم استعفای خود را نوشت و ارسال کرد. دو روز بعد دولت جدید به ریاست جمشید آموزگار بر سرکار آمد و علم با شگفی فراوان آگاه شد که امیر عباس هویدا، جانشینی او منصوب شده است.

عَلم چند هفته پیش از آن که درگذرد، نامه‌ای مفصل به شاه می‌نویسد و نامه را به وسیله پروفیسور عباس صفویان تقدیم می‌کند. ولی شاه حتی خواندن نامه مفصل را لازم نمی‌بیند و نوشته علم را به هویدا می‌دهد و می‌گوید:

«مشاعر عَلم دیگر کار نمی‌کند...»

امیر اسدالله علم روز ۲۶ فروردین سال ۱۳۵۷ در ۵۹ سالگی به علت بیماری‌های مقاربتی و سرطان درگذشت.

* * *

درباره یادداشت‌های علم در پایان تکرار این نکته ضرورت دارد، آنچه به عنوان یادداشت‌های علم منتشر شده و خواهد شد. تنها حوادث نه سال از یازده سال وزارت

دربار او را در برمی‌گیرد و درباره دو سال اول وزارت دربار و همچنین بیست ماه نخست وزیری که مهمترین سال‌های فعالیت‌های سیاسی علم بوده است، مطلبی در این یادداشت‌ها دیده نمی‌شود.

عالیخانی می‌گوید: «مجلد دیگری هم از این یادداشت‌ها موجود بوده که متأسفانه به بانک سپرده نشده است».

با این وصف آنچه که امروز به نام یادداشت‌های علم در دسترس است اسنادی معتبر است که پرده از بسیاری سیاه‌کاری‌های دوران پهلوی برمی‌دارد، به همین مناسب هم ما خریدن این یادداشت‌ها را به دوستانان تاریخ معاصر ایران توصیه می‌کنیم. در بیان ذکر این نکته را بر خود فرض می‌دانیم که یادداشت‌ها و پانوشت‌هایی که در کل کتاب آمده است، نتایج نظرات ویراستار کتاب که خود از دوستان و نزدیکان علم می‌باشد بوده است. ناشر جهت حفظ امانت عیناً آنها را نقل کرده است که خواننده محترم خود به قضاوت آنها بشیرد. آنچه قبول افتد و چه در نظر آید.